

تأثیر جهانی شدن بر توسعه اجتماعی با تأکید بر شرایط اجتماعی ایران

دکتر غلامرضا لطیفی*

طاهره داودوندی**

تاریخ دریافت: ۸۹/۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۸۹/۸/۱۳

چکیده

جهانی شدن پدیده پیچیده‌ای است که دارای تأثیرات گسترده‌ای است و پدیده‌ای پیچیده و چند بعدی است که آثار آن قابل تسری به فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، نظامی و فن آوری است. به همین دلیل، اصطلاح "جهانی شدن" معانی متفاوتی به خود گرفته است. در یک سرطیف جهانی شدن را نیرویی مقاومت ناپذیر و بی‌خطر برای تأمین رفاه اقتصادی و اجتماعی مردم سراسر

rlatifi2002@yahoo.com

t_davoodvandi@yahoo.com

* استادیار برنامه‌ریزی شهری دانشگاه علامه طباطبایی

** کارشناس ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی

جهان می‌دانند و در سر دیگر طیف آن را باعث مشکلات و مسایل روزگار مردم معاصر می‌دانند و مورد سرزنش قرار می‌دهند. پس ضرورت بررسی فرآیند جهانی شدن کاملاً محسوس است. این مقاله بر آن است تا ضمن بررسی پدیده جهانی شدن و چالش‌ها و دستاوردهای آن، تأثیر آن را بر توسعه اجتماعی را بررسی کند.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، توسعه اجتماعی، دولت دست کمی، نابرابری، دموکراسی، فقر

طرح مسئله

جهانی شدن فرآیند تغییر همه جانبه‌ای را دامن زده است که بر همه چیز تأثیر می‌گذارد. تکنولوژی جدید، با پشتیبانی سیاست‌های بازتر، جهانی به هم پیوسته تر از هر زمان دیگری را آفریده است. این پهنه نه تنها وابستگی فزاینده در روابط اقتصادی، تجارت، سرمایه گذاری، فعالیت‌های مالی و سازمان دهی تولید در گستره‌ای جهانی را در بر می‌گیرد، بلکه تعامل اجتماعی و سیاسی میان سازمان‌ها و افراد در سراسر جهان را نیز در بر می‌گیرد. (علیقیان، ۱۳۸۴: ۱۹) جهانی شدن فرآیندی تناقض آمیز است، در حالی که یکپارچه می‌کند، شکاف‌هایی را هم پدید می‌آورد و ضمن ایجاد فرصت‌ها، خطرهایی را هم به وجود می‌آورد. چنان که سمیر امین چنین تصور می‌کند که ویژگی جهانی شدن، تقویت توزیع نابرابر ثروت میان بخش‌های مختلف جهان و افزایش فاصله میان بخش‌های توسعه یافته و توسعه نیافته است. جهانی شدن امور که خود زاینده افزایش میزان جابجایی و تحرک افراد بشر، افزایش میزان ارتباطات، سیر صعودی تجارت، بازرگانی، جریان سرمایه و توسعه تکنولوژی می‌باشد، فرصت‌های جدیدی را در راه رشد اقتصادی مستمر و توسعه اقتصاد جهانی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه پدیدار می‌سازد. همچنین به کشورها کمک می‌کند تا در تجارب یکدیگر سهیم شده، بر یافته‌ها و موفقیت‌های یکدیگر و همچنین بر مشکلات یکدیگر وقوف یابند و بدین ترتیب باروری اندیشه و انتقال آرمان‌ها و ارزش‌های فرهنگی را امکان‌پذیر می‌سازد. در عین حال فرآیند

سریع تغییر و تطابق با حالت‌های شدید فقر و گرسنگی، بیکاری و تجزیه اجتماعی همراه بوده است، و تهدید سعادت بشری در زمینه‌هایی چون خطرات محیطی، جنبه جهانی به خود گرفته است. علاوه بر آن تغییرات اقتصادی جهانی پارامترهای توسعه اجتماعی را در تمام کشورها شدیداً دستخوش تغییر کرده و بحث‌های زیادی را درباره نابرابری در میان و در درون کشورها و تأثیرات آن بر مردم، خانواده و جوامع مطرح کرده است. بنابراین در مطالعه تأثیر جهانی شدن بر توسعه اجتماعی علاوه بر جنبه‌های منفی مانند: نابرابری در دسترسی به منابع باید به تأثیرات مثبت آن نیز توجه نمود. اما پرسش مهم این است که در وضعیت جهانی کنونی که مبتنی و قائم به نابرابری است چه تغییراتی پدیدار می‌شود؟

جهانی شدن^۱

جهانی شدن یک فرآیند است، به این معنا که دربرگیرنده یک روایت ثابت و تغییر ناپذیر نیست بلکه در درون آن روایت‌ها و پروژه‌های متفاوتی در حال شکل‌گیری است. از این جهت جهانی شدن هر چند گریز ناپذیر است اما یک نقطه شروع و یک پایان حتمی و از پیش تعیین شده ندارد. با این حال مورخان دوره مدرن، جهانی شدن را از لحاظ تاریخی به سه مرحله تقسیم کرده‌اند.

مرحله اول دوره‌ای را دربر می‌گیرد که از ۱۸۷۰ شروع شده و تا ۱۹۱۴ ادامه می‌یابد. در این دوره که به عنوان ظهور اقتصاد مدرن جهانی در نظر گرفته می‌شود، شاهد پیشرفت در حمل و نقل ریلی، دریایی و نیز در ارتباطات تلگرافی و در ادامه کمک به ادغام بازارهای سرمایه هستیم. در این دوره ظهور جنگ جهانی اول در تضاد کامل با جهانی شدن حرکت می‌کند.

مرحله دوم جهانی شدن از سال ۱۹۴۴ یعنی از اواخر پایان جنگ جهانی دوم شروع و تا نیمه اول دهه ۷۰ ادامه می‌یابد. این مرحله باپیدایش نوعی نظام اقتصادی جهانی همراه بود که نمود آن را می‌توان در تأسیس صندوق بین‌المللی پول و موافقت نامه عمومی تعرفه و بازرگانی (گات) در کنفرانس برتون وودز سال ۱۹۴۴ مشاهده کرد.

مرحله سوم جهانی شدن از نیمه دوم دهه ۷۰ شروع شده و پایان روابط پولی بعد از کنفرانس برتون وودز، ظهور کشورهای تازه صنعتی شده آسیای شرقی، پیشرفت‌های سریع تکنولوژیک در حمل و نقل ارتباطات و فناوری اطلاعات در این مرحله روی داد. (گلدین و رینرت، ۱۳۸۶: ۷)

تعاریف بسیاری از جهانی شدن از سوی صاحب نظران این حوزه ارائه شده است. عنصر مشترک همه این تعاریف در هم تنیدگی، نزدیکی و به هم پیوستگی اجزای جامعه جهانی است. این درهم تنیدگی و فشردگی اجزای جامعه جهانی به معنای افزایش سریع در خودآگاهی کل جهان نیز می‌باشد. (رابرتسون، ۱۳۸۳: ۲۳۰) در یک جمع بندی اجمالی سه تعریف برای جهانی شدن قابل تشخیص است که عبارتند از:

تعریف اول آن را یک طراحی غربی می‌داند و جهانی شدن را با غربی شدن یکی می‌داند و برخی حتی آن را با آمریکایی شدن برابر می‌پندارند.

تعریف دوم جهانی شدن را روندی می‌داند که مدت‌هاست در حیات نظام بین‌الملل شروع شده و سیر تحولش را به صورت خودکار می‌گذراند. اما در مورد چگونگی شروع این روند بحث و گفتگو وجود دارد، عده‌ای این روند را با پایان جنگ سرد همراه می‌بینند و برخی دیگر این روند را جز تحول نظام سرمایه داری نمی‌دانند.

تعریف سوم به جهانی شدن به شکل تجزیه شده نگرینده و به جداسازی ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی پرداخته است. (سجاد پور، ۱۳۸۲: ۱۴۹) جهانی شدن اقتصاد، قدرت کنترل دولت‌ها بر نقل و انتقالات مالی و فناوری را کاهش داده و به تعامل میان ملت‌ها می‌افزاید. جهانی شدن فرهنگ که در آن زبان، سنن، تمایلات، ارزش‌ها و شیوه پر کردن اوقات فراغت برای همه مردم جهان یکسان می‌شود و به موازات آن

فرهنگ بومی تضعیف می‌شود و سه شاخص مهم جهانی شدن سیاسی عبارتند از: سقوط نظام‌های تمامیت خواه و اقتدار گرای سیاسی، گرایش به دموکراسی و تکثر سیاسی و احترام به حقوق بشر. (گلدین و رینرت، ۱۳۸۶: ۷۰-۶۵). بنابراین دولت‌ها، فرهنگ‌ها، سازمان‌ها و ... می‌توانند در ارائه تعریفی جدید از روابط بین واحدهای جهانی در سطوح پایین تر یا حتی در سطح جهانی نقش مهمی ایفا کرده، به علاوه قادرند در پذیرفتن و مقبولیت یکی از روایت‌های معارض با روایت کلان، تأثیر قابل توجهی داشته باشند.

توسعه اجتماعی^۱

امروزه یکی از مهمترین و اساسی ترین مفاهیم مرتبط با زندگی افراد در جوامع مختلف مفهوم "توسعه اجتماعی" است. توسعه در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی معنای صرف اقتصادی داشت و کشورهای توسعه یافته محسوب می‌شدند که اقتصاد ملی آنان توانایی ایجاد و تداوم رشد سالانه تولید ناخالص ملی با نرخ‌های ۵ تا ۷ درصد را دارا بود. در همین زمان هنگامی که تعداد زیادی از کشورهای جهان سوم به رشد اقتصادی دست یافتند ولی سطح زندگی مردم در بیشتر زمینه‌ها بدون تغییر ماند، نمایان شد که نواقص بسیاری در تعریف محدود توسعه وجود دارد. به طوری که در خلال دهه ۱۹۷۰ توسعه اقتصادی بر حسب کاهش یا از بین بردن فقر، نابرابری و بیکاری در چارچوب یک اقتصاد در حال رشد دوباره تعریف شد (تودارو، ۱۳۶۴، ۱۳۶-۱۳۳)، و نظریه پردازان توسعه وجوه چهارگانه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را برای توسعه در نظر گرفتند.

توسعه در کلیه جوامع باید سه دسته از اهداف را پیگیری کند.

- دسترسی بیشتر به کالاهای تداوم بخش زندگی مثل غذا، مسکن و بهداشت
- افزایش سطح زندگی از جمله درآمدهای بالاتر، تأمین اشتغال بیشتر و آموزش بهتر

- گسترش دامنه انتخاب اقتصادی و اجتماعی از افراد و ملل از طریق رهایی آنان از قید بردگی و وابستگی (تودارو، ۱۳۶۴: ۱۳۹)

به این ترتیب توسعه در دنیای امروز دلالت بر رشد اقتصادی توأم با تغییر اجتماعی دارد و این دو اصطلاح و مکمل یکدیگرند. توسعه اجتماعی یکی از ابعاد اصلی فرآیند توسعه و بیانگر کیفیت نظام اجتماعی در راستای دست یابی به عدالت اجتماعی، ایجاد یکپارچگی و انسجام اجتماعی و ارتقاء کیفیت زندگی انسان‌هاست. (رفیعی و مدنی، ۱۳۸۲: ۷۲) توسعه اجتماعی، توسعه‌ای انسانی، مردم‌مدار و پایدار است که مردم نه تنها بهره‌برداران آن، بلکه کارگزاران آن نیز به شمار می‌روند. بنابراین تنها به برآوردن نیازهای اساسی آحاد جامعه توجه نمی‌کنند، بلکه گسترش ظرفیت‌ها و استعدادها ی مردمان و تأمین نیازهای اجتماعی، روانی، فرهنگی و نیازهای رفاهی را نیز در نظر دارند.

" توسعه اجتماعی به دنبال ایجاد تغییرات در سطح محیط زندگی با مشارکت همه افراد جامعه است، به گونه‌ای که هر شهروند را عضوی فعال در فرآیند اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و تصمیم‌گیری می‌داند. " (وایست، ۱۳۷۸) چرا که از این منظر هر فرد هدف اولیه هر جامعه است. هدف‌های توسعه اجتماعی، آزادی، امنیت، برابری، عدالت، صلح، انسجام و وحدت و تکامل معنوی می‌باشد. براساس سند کپنهاک هدف نهایی توسعه اجتماعی بهبود کیفیت زندگی مردم در سراسر جهان می‌باشد.

منظور از کیفیت زندگی که در بالا بدان اشاره شد ارتقاء و افزایش تسهیلات و خدمات زیربنایی مانند: آموزش، بهداشت، حمل و نقل، ارتباطات، تغذیه و سرمایه اجتماعی و غیره است. به همین دلیل برای توسعه اجتماعی شاخص‌های متعددی در زمینه مسکن، آموزش و پرورش، تأمین و رفاه اجتماعی، بهداشت و نظایر آن را بر می‌شمارند. توسعه اجتماعی متکی بر عدل و انصاف که قدرت بخشیدن به فقرا را در بکارگیری مستمر هدف قرار دهد، اساس مستمر توسعه خواهد بود. رشد اقتصادی مستمر و همه‌جانبه برای تداوم توسعه اجتماعی و عدالت اجتماعی ضروری است، پس در خط مشی‌ها و اقدامات ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، بالاترین اولویت را به رشد پیشرفت

اجتماعی، تعالی عدالت و بهبود شرایط زندگی انسان‌ها داده اند. این مهم تنها در سایه مشارکت کامل همگان میسر خواهد شد، بدین ترتیب کشورهای امضاء کننده سند کینهاک متعهد به انجام ده تعهد در این زمینه شدند.

تعهد ۱- ایجاد محیطی قانونی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برای دسترسی به توسعه اجتماعی

تعهد ۲- ریشه‌کن ساختن فقر در جهان با توسل به اقدامات ملی و همکاری‌های بین‌المللی مصرانه

تعهد ۳- دست یابی به اشتغال کامل، با داشتن حق انتخاب در شغل و کار توأم با بازدهی

تعهد ۴- تلاش در جهت دست یابی به یکپارچگی اجتماعی با بها دادن به جوامعی که از ثبات، ایمنی و عدالت برخوردارند.

تعهد ۵- اقدام برای بهبود وضعیت زنان و تحقق برابری جنسیتی از طریق به رسمیت شناختن و تشویق شرکت زنان و ایفای نقش توسط آنان در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و توسعه

تعهد ۶- دسترسی عادلانه به تعلیم و تربیت مترقی، دستیابی به بالاترین سطح سلامت جسمی و روانی، دسترسی همگان به مراقبت‌های بهداشتی و اولیه و به کارگیری تلاش‌های خاص در راه اصلاح نابرابری‌های مربوط به شرایط اجتماعی

تعهد ۷- سرعت بخشیدن به توسعه اقتصادی، اجتماعی، و منابع انسانی آفریقا و کشورهایی که کمترین میزان توسعه‌یافتگی را داشته‌اند.

تعهد ۸- حصول اطمینان از این که برنامه‌های اصلاحات بنیادین به اهداف توسعه اجتماعی، به ویژه اهداف ریشه‌کن کردن فقر، فراهم آوردن اشتغال کامل توأم با بازدهی و تعالی بخشیدن به انسجام اجتماعی مبتنی شوند.

تعهد ۹- ارتقاء به کارگیری مؤثرتر منابع، جهت نیل به اهداف کنفرانس، با توسل به اقدامات ملی و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

تعهد ۱۰- بهبود بخشیدن و تقویت چارچوب همکاری‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و ناحیه‌ای توسعه اجتماعی در محیطی آکنده از روحیه مشارکت و از طریق سازمان ملل متحد و دیگر مؤسسات چند جانبه

نگاهی به تعهدات دهگانه گویای رابطه تنگاتنگ جهانی شدن و توسعه اجتماعی است. چنان که در دومین اجلاس جهانی برای توسعه اجتماعی که در سال ۲۰۰۰ میلادی برگزار شد، دست یابی به توسعه اجتماعی در دنیای در حال جهانی شدن، مد نظر قرار گرفت و محورها و ابتکارتی برای هزاره سوم در نظر گرفته شد و تمامی ۱۹۱ دولت عضو ملل متحد، تعهد کرده اند که تا سال ۲۰۱۵ به هدف‌های زیر دست یابند.

- گرسنگی و فقر شدید را ریشه کن کرده و نسبت افرادی که با روزی کمتر از یک دلار کار می‌کنند و کسانی را که دچار گرسنگی هستند را به نصف برسانند.

- آموزش ابتدایی همگانی را محقق سازند، به گونه‌ای که همه پسران و دختران دوره کامل تحصیلات ابتدایی را به پایان برسانند.

- برابری جنسیتی را ارتقاء بخشیده و زنان را توانمند سازند.

- میزان مرگ و میر کودکان را کم کرده و نسبت مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال را تا دو سوم کاهش دهند.

- بهداشت مادران را بهبود بخشیده و نسبت مرگ و میر مادران را تا سه چهارم کاهش دهند.

- با گسترش بیماری ایدز - و ویروس آن -، مالاریا و سایر بیماری‌ها مبارزه کرده و روند ابتلا به بیماری‌های مهم را متوقف کنند.

- از پایداری محیط زیست اطمینان حاصل کرده و اصول توسعه پایدار را در سیاست‌ها و برنامه‌های کشوری ادغام و روند از دست رفتن منابع محیط زیست را معکوس کنند، نسبت افرادی که از دسترسی به آب آشامیدنی سالم محروم هستند را به نصف کاهش دهند.

- مشارکتی جهانی را برای توسعه ایجاد کنند. در راستای این آرمان اهدافی مانند: کمک به کشورهای در حال توسعه در زمینه‌های مواجهه با مسئله بدهی‌های خارجی، طراحی راهبرد کار شایسته، دسترسی به داروهای اساسی قابل خرید و سرانجام برخورداری از منابع فن آوری‌های جدید بویژه فن آوری اطلاعات و ارتباطات پیشنهاد شده است. (مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، ۱۳۸۲)

بقاء و استمرار حیات یکپارچه ملت‌ها در قرن ۲۱ میلادی به توسعه اجتماعی وابسته است. کارکردهای چند سویه بین دولت-ملت‌ها، گروه‌های اجتماعی، نهادهای مدنی و انسان‌ها، توسعه اجتماعی را میسر می‌کند. دولت‌های قرن بیست و یکم به سوی "دولت‌های کمترین" حرکت خواهند کرد. دولت‌ها به جای ایفای نقش یک کارفرمای بزرگ، به کمترین دخالت آن هم برای برقراری نظم و امنیت، حفظ جان و مال و آزادی‌های فردی محدود خواهند شد. هدف جامعه جهانی و "جهانی شدن" در قرن حاضر جایگزینی دولت کمترین به جای دولت بیشترین است. چرا که دولت کمترین و توسعه اجتماعی لازم و ملزوم یکدیگرند. (مقصودی، ۱۳۸۲: ۱۲۴)

چالش‌های جهانی شدن

افزایش چشمگیر به هم پیوستگی جهانی، به روش‌های گوناگون بر زندگی مردم تأثیر می‌گذارد که برخی از آن‌ها قابل پیش بینی و برخی دیگر پیش بینی نشده‌اند. یک دگرگونی مهم افزایش آگاهی جهانی از طریق انقلاب ارتباطی است. که باعث گسترش زیاد آگاهی از نابرابری‌های جهانی در زمینه استانداردهای زندگی، فرصت‌های زندگی و حقوق و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی شده است. شاید مهمترین نکته این باشد که این فن آوری‌ها ممکن است مردم را که تحت شرایط دیگر و در نتیجه بُعد مسافت، فرهنگ و طبقه‌بندی اقتصادی، دچار تفرقه می‌شدند را قادر سازد که مستقیماً با یکدیگر در ارتباط قرار گیرند که خود بالقوه تفاهم بهتری ایجاد می‌کند، مبنی بر اینکه ما مردمان چه کسانی هستیم. ولی هیچ کدام از امکانات برای اشخاصی که به فن آوری دسترسی ندارد، موجود

نیست، که خود یا به دلیل فقدان زیر ساخت یا سرمایه لازم است، یا بدان سبب که محیط‌های تنظیم کننده مانع این کار می‌شوند.

در سطح جهانی ثروت ملت‌ها ظرف پنجاه سال گذشته هفت برابر شده و تجارت و بازرگانی بین‌المللی پیشرفتی حتی بیش از این را شاهد بوده است؛ میزان طول عمر، میزان تحصیلات و آموزش و پرورش ابتدایی و دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی، از جمله دسترسی به برنامه‌های کنترل خانواده در اکثر کشورها افزایش داشته است. در بسیاری از کشورها و از آن میان در کشورهای در حال توسعه، مرگ و میر کودکان شیرخوار با کاهش همراه بوده است؛ پلورالیسم مبتنی بر دموکراسی، نهادهای دموکراتیک و آزادی‌های مدنی توسعه یافته است. روشن است که جهانی شدن به خصوص افزایش آگاهی‌های جهانی و بسط فرهنگ سیاسی نو - یعنی توجه بیشتر به توده‌های مردم در همه جوامع در حال توسعه به دموکراسی مسئله حقوق بشر - آثار تعیین کننده و مهمی بر تغییر مناسبات قدرت در این جوامع خواهد داشت. تجارت جهانی با نرخ تقریباً ۵ درصد در سال در حال گسترش بوده است. اما سود تجارت در چند کشور متمرکز شده و بیش از ۸۰ درصد مجموع صادرات دنیا به وسیله فقط ۱۰ کشور تولید می‌شود. قسمت اعظم هر دلار ثروت تولید شده در اقتصاد جهان به کشورهای ثروتمند یا دارای درآمد متوسط می‌رود. به گزارش بانک جهانی فقط سه درصد (سه سنت) از هر دلار به کشورهای کم درآمد می‌رود که ۴۰ درصد جمعیت دنیا را دارند. (نقل به مضمون از منابع سازمان ملل)^۱

از آنجا که مسئله توسعه نیافتگی اساساً مسئله‌ای مرتبط با مناسبات قدرت در این نوع جوامع است، شاید این تغییرات بخشی از موانع توسعه در این جوامع را از میان برداشته یا به نحو چشمگیری کاهش خواهد داد. کوشش پیگیرانه مردم در سرتاسر جهان برای بسط صلح و دموکراسی، رشد روز افزون جنبش‌های اصلاح طلبی و ضد استبدادی، گسترش لیبرالیسم سیاسی در جوامع و عالمگیر شدن خواسته‌های تبدیل دولت بیشترین

به دولت‌های کمترین که اساساً نتیجه گسترش ارتباطات جهانی و به تبع آن افزایش آگاهی‌ها و گسترش فرهنگ سیاسی، از جلوه‌های مثبت و امیدوارکننده پدیده جهانی شدن، به خصوص از بُعد منافع مردم کشورهای در حال توسعه است. (زاهدی، ۱۳۸۲: ۳۴۴)

در مقابل این جنبه‌های مثبت و امیدوارکننده دورنماهای منفی و جنبه‌های ناامیدکننده مهمی نیز در فرآیند جهانی شدن قابل تشخیص است، حتی آمارهای رسمی جهانی [گزارش‌های توسعه انسانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۲] نشان می‌دهد که شکاف صنعتی در جهان رو به افزایش است. کشورهای پیشرفته جهان به مرحله توسعه نوینی دست یافته‌اند که نه تنها مختصات آن با مرحله توسعه صنعتی بسیار متفاوت است، بلکه کشورهای در حال توسعه هنوز به مدرنیته و توسعه صنعتی دست نیافته‌اند. جهانی شدن در شرایط اختلاف‌ها و تمایزات ساختاری ناشی از شکاف صنعتی، صرف نظر از آن که موجب گسترش نابرابری‌های اجتماعی و تشدید شکاف میان ثروتمندان و فقرا هم در سطح محلی و هم در سطح بین‌المللی خواهد شد، کشورهای جهان سوم را به حاشیه روستایی نظام جهانی تبدیل خواهد کرد (زاهدی، ۱۳۸۲: ۳۴۵).

جهانی شدن متضمن تغییرات در ساختار اقتصادی، قیمت‌های نسبی، امکانات و الگوهای مصرف است که به سهم خود بر شغل، معیشت و درآمد مردم تأثیر می‌گذارد. مثل همیشه برخی تحت تأثیرات نامطلوب قرار گرفته‌اند و برخی دیگر از این فرآیند غالباً فشرده تغییر، نفع برده‌اند. منافع اقتصادی و هزینه‌های اجتماعی جهانی شدن به طور برابر میان گروه‌های اجتماعی توزیع نشده است. هم‌اکنون بیشتر از ۸۰ کشور دنیا از درآمد سرانه کمتری نسبت به انسان قبل برخوردار است. اختلاف درآمد یک پنجم مردم جهان در ثروتمندترین کشورها نسبت به یک پنجم مردم جهان در فقیرترین کشورها که در سال ۱۹۶۰ سه به یک بوده، در سال ۱۹۹۰ شصت به یک و در سال ۱۹۹۷ هفتاد و چهار به یک شده است. (شرستا و ماسکی، ۱۳۰: ۱۳۸۱)

به هر حال فقر و تنگدستی شدید یکی از واقعیت‌های جهان، به ویژه جهان در حال توسعه است. و شواهد آماری گویای آن است که پیشرفت‌های جامعه جهانی در مبارزه با این معضل بسیار نا چیز بوده است. (توکلی، ۱۳۸۴: ۱۰۲)

جهانی شدن به طور نامتناسبی به شرکت‌های چند ملیتی و صاحبان منافع مالی سود رسانده است. در سطح کلی تر کسانی که از سرمایه، دارایی‌ها، توانایی کارآفرینی، آموزش و مهارت بالا برخوردارند همگی از جهانی شدن نفع برده‌اند؛ چراکه تقاضا برای آن‌ها در حال افزایش است. اما فقرا، بی‌سرمایه‌گان، کارگران غیرماهر، بی‌سوادان و شرکت‌های غیر رقابتی که در رویارویی با جهانی شدن و تجارت آزاد قادر به ادامه حیات نبوده‌اند، از کسانی هستند که تحت تأثیرات نامطلوب جهانی شدن قرار گرفته‌اند. (علیقیان، ۱۳۸۴: ۵۳)

عده‌ای بر این عقیده‌اند که افزایش رقابت مالیاتی، همراه با آموزه‌های جدید طرفداری از کاهش نقش دولت، ظرفیت مالی دولت‌ها را کاهش داده و به کاهش هزینه‌های دولت در امر بهداشت، آموزش، امنیت اجتماعی، خدمات توسعه کشاورزی و کاهش فقر منجر شده است. آموزش یکی از عناصر کلیدی اقتصاد جهانی است، اما سطح سرمایه‌گذاری در آموزش بسیار ناکافی است و از ۶۸۰ میلیون کودک در سنین مدرسه ابتدایی در کشورهای در حال توسعه، تعداد ۱۱۵ میلیون نفر که ۶۵ میلیون نفر آن دختر هستند به مدرسه نمی‌روند. در شماری از کشورها جهانی شدن به نابرابری شدید میان زنان و مردان منجر شده است، دامنه این نابرابری‌ها عمدتاً به سطح نابرابری زن و مرد در هنجارها، نهادها و سیاست‌های یک کشور در زمان پیوستن به اقتصاد جهانی است، بستگی دارد. زنان کمتر از ۲ درصد زمین در سراسر جهان را دارا هستند و کمتر از ۱۰ درصد امتیازات به آنان اعطا می‌شود. تأثیر بحران‌های مالی فزاینده جهانی شدن بر زنان ناگوارتر از تأثیر آن بر مردان بوده و کاهش حمایت‌های اجتماعی، محرومیت‌های بیشتری بر زنان ایجاد کرده است (علیقیان، ۱۳۸۴: ۵۵).

بخش بزرگی از جمعیت فقیر جهان را زنان تشکیل می‌دهند، که دسترسی بسیار محدود و ناچیزی به درآمد، منابع، تعلیم و تربیت، مراقبت‌های بهداشتی و تغذیه دارند، این مطلب به ویژه در مورد آفریقا و کشورهای که کمترین میزان توسعه را داشته‌اند، صادق است. برای ارزیابی تأثیر اجتماعی جهانی شدن فرا رفتن از عملکردهای اقتصادی و ارزیابی آنچه در عرصه اشتغال، نابرابری درآمدها و فقر در دو دهه‌ای که از آغاز جهانی شدن می‌گذرد، یک ضرورت است. طبق گزارش سازمان بین‌المللی کار، بیکاری آشکار در دهه‌های اخیر تا سال ۲۰۰۳ در کشورهای در حال توسعه به خاطر بحران مالی پایان دهه ۱۹۹۰ به ۱۸۸ میلیون نفر افزایش یافته است که نابرابری درآمدها در پاره‌ای از کشورهای صنعتی افزایش یافته که بازتاب آن را می‌توان در افزایش سهم سرمایه از درآمد ملی و افزایش نابرابری دستمزدها دید.

همچنین جهانی شدن توانایی دولت‌های ملی را در پیگیری هدف‌های اشتغال کامل و رشد اقتصادی از طریق سیاست‌های تورمی کاهش می‌دهد. امروزه با افزایش خصوصی سازی و کم شدن اندازه دولت رفاه، مشاغل بخش دولتی در حال کاهش است. و بیشتر مردم نیز معتقدند که جهانی شدن نتوانسته نیازهای ساده و مشروع آنان به کار شرافتمندانه و آینده‌ای بهتر برای فرزندانشان را برآورده سازد. بسیاری از آنان در برزخ اقتصاد غیر رسمی و بی‌بهره از حقوق رسمی در باریکه کشورهای فقیری زندگی می‌کنند که در حاشیه اقتصاد جهانی هستند. در اکثر کشورهای در حال توسعه یک اقتصاد غیررسمی بزرگ وجود دارد که فعالیت اقتصادی آن در چارچوب رسمی حقوقی یا قانونی به رسمیت شناخته نمی‌شود و مورد حمایت قرار نمی‌گیرد. این اقتصاد معمولاً تولید صنعتی در مقیاس کوچک خدمات یا فروش در مناطق شهری، کار خانگی یا کشاورزی روی زمین‌های کوچک را در برمی‌گیرد. هر چند که اقتصاد غیر رسمی قدمتی بیش از جهانی شدن دارد اما این اقتصاد در حال رشد است و افزایش فشارهای رقابتی در بازارهای جهانی، کنترل کار غیر رسمی را آسان تر کرده است. (علیقیان، ۱۳۸۴: ۷۱) به این اعتبار می‌توان نتیجه گرفت که پروژه جهانی شدن از حیث محتوایی به طور ضمنی

بازگویی نوعی اجبار برای تحمیل تبعیض و نابرابری‌هایی است که در سرشت مناسبات بین‌المللی در جهان معاصر، وجود دارد.

شرایط اجتماعی ایران با توجه به اهداف توسعه هزاره سوم

به نظر می‌رسد که برای بسیاری از مردم پدیده جهانی شدن به مفهوم آسیب‌پذیری بیشتر در مقابل نیروهای نا آشنا و غیر قابل پیش‌بینی بوده، که می‌تواند موجب ناپایداری اقتصادی و اختلال اجتماعی گاه با سرعت برق‌آسا شود. در ورای این ابراز نگرانی‌های گوناگون، یک پیام واحد نهفته است، یعنی این که جهانی شدن باید مفهومی وسیع‌تر از صرفاً ایجاد بازارهای بزرگتر داشته باشد. حوزه اقتصادی را نمی‌توان از بافت پیچیده‌تر زندگی اجتماعی و سیاسی جدا نمود و آن را در مسیر خود رها کرد. یک اقتصاد جهانی برای بقا و شکوفا شدن باید بنیان محکمتری در ارزش‌های مشترک و رویه‌های نهادی داشته باشد و مقاصد اجتماعی دامنه‌دار تر و جامع‌تر در مورد ضرورت اندیشه دوباره‌ی تدابیر توسعه در سطوح بین‌المللی و ملی توافق گسترده وجود دارد. (نقل به مضمون از منابع سازمان ملل)^۱

جمهوری اسلامی ایران اهداف توسعه هزاره را در چارچوب گسترده‌تر "توسعه اجتماعی" تعقیب می‌کند. از این رو اهدافی مثل فقرزدایی، اشتغال مولد، آموزش، بهداشت، توانمندسازی زنان و حفاظت از محیط زیست و همکاری بین‌المللی همواره در برنامه‌های توسعه کشور مدنظر قرار داشته‌اند. (معاونت امور اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۴: ۱)

طبق گزارش منتشر شده توسط دفتر عمران سازمان ملل متحد، ایران از لحاظ توسعه انسانی رتبه‌ی ۹۴ را در بین ۱۷۷ کشور جهان در سال ۲۰۰۵ به خود اختصاص داده است. شاخص توسعه انسانی برای ایران در سال ۱۹۷۵ برابر با ۰/۵۷۱ بوده است که

در سال ۲۰۰۰ به ۰/۷۲۲ و در سال ۲۰۰۵ به ۰/۷۵۹ افزایش یافته است. (undp:2007/2008)

درصد جمعیتی که با درآمد کمتر از یک دلار برحسب "برابری قدرت خرید" در روز زندگی می‌کنند از ۰/۹ درصد در سال ۱۳۷۸ به ۰/۲ درصد در سال ۱۳۸۴ کاهش یافته است. اما همین شاخص براساس درآمد دو دلار در روز (که برآورد دقیق تری برای تعیین حداقل درآمد مورد نیاز برای رهایی از فقر شدید در کشورهای با درآمد متوسط است) به طور چشمگیری کاهش یافته است و از ۷/۳ درصد به ۳/۱ درصد رسیده است. در رابطه با ریشه کنی گرسنگی شدید گزارش دلالت بر آن دارد که درصد کودکان زیر ۵ سال که از کم وزنی رنج می‌برند از ۱۵/۸ درصد سال ۱۳۷۰ به ۵ درصد در سال ۱۳۸۳ کاهش یافته است. (معاونت امور اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۷: ۲۴-۲۳)

نرخ ثبت نام خالص طی سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۸۴ پیوسته در حال افزایش است و از ۸۵ درصد به بیش از ۹۸ درصد ارتقاء یافته است. طی این مدت نسبت زنان باسواد به مردان باسواد گروه سنی ۱۵-۲۴ سال نیز از ۸۷/۹ درصد به ۹۸/۶ درصد افزایش یافته است. بنابراین در حوزه آموزش، شاخص‌های دسترسی در سطح ملی وضعیت خوبی از برابری جنسیتی را نشان می‌دهد. در حوزه بازار کار و برخورداری از درآمد، سهم اشتغال زنان در بخش غیرکشاورزی بهبود چشمگیری را نشان نمی‌دهد، با این حال حدود ۳۳ درصد شاغلین فنی و تخصصی در ایران را زنان تشکیل می‌دهند. افزایش سطح تحصیلی و تغییر در شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور باعث اقبال روزافزون زنان برای ورود به بازار کار شده است که به دلیل فقدان امنیت کافی برای جذب این جمعیت در بازار کار، نرخ بیکاری زنان اغلب بیشتر از مردان است. (معاونت امور اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۷: ۱۴)

گرچه برخی از چالش‌ها از قبیل موانع فرهنگی و اجتماعی آموزش دختران، شناسایی بیسوادان و تشویق آنان به مشارکت در کلاس‌های آموزشی و موانع جغرافیایی فرا روی آموزش دختران در برخی از مناطق کشور هنوز وجود دارند. (معاونت امور

اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۴: ۱۲) اما بررسی شاخص دختران به پسران در تحصیلات متوسطه و عالی رشد قابل ملاحظه‌ای را از ۷۹ درصد در سال ۱۳۶۹ به ۹۴ درصد در سال ۱۳۸۴ نشان می‌دهد. همچنین سهم زنان شاغل حقوق بگیر در بخش‌های غیر کشاورزی افزایش کمی را از ۱۰/۵ درصد در سال ۱۳۶۹ به ۱۲ درصد در سال ۱۳۸۱ نشان می‌دهد. در طول مجلس ششم (۱۳۷۹-۱۳۸۲) زنان ۵ درصد از کرسی‌های مجلس را به خود اختصاص داده بودند که این رقم در دوره مجلس هفتم (۱۳۸۳-۱۳۸۶) به ۴/۱ درصد کاهش یافته است. بنابراین زنان نیازمند مشارکت بیشتر در مناصب مدیریتی و سیاستگذاری هستند (معاونت امور اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ۱۳۸۴: ۸).

نرخ مرگ و میر کودکان در ۱۰۰۰ تولد زنده کاهش زیادی را از ۶۸/۱ مرگ در سال ۱۳۶۹ به ۳۶ مرگ در سال ۱۳۷۹ نشان می‌دهد. میزان پوشش واکسیناسیون سرخک شاخص دیگر در این باره است که در حال حاضر این پوشش نزدیک به ۱۰۰ درصد جامعه است. (معاونت امور اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۷: ۱۴)

هدف تعیین شده برای بهبود سلامت مادران، کاهش نرخ مرگ و میر آنان به یک چهارم طی سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۴ می‌باشد. دو شاخص عمده در این خصوص مطرح شده‌اند: نرخ مرگ و میر مادران و نسبت زایمان‌های انجام شده توسط افراد ماهر. براساس اطلاعات موجود نرخ مرگ و میر مادران در، صد تولد زنده کاهش زیادی را از ۹۱ مرگ در سال ۱۳۶۸ به ۲۴/۶ مرگ در سال ۱۳۸۴ نشان می‌دهد. همچنین طی این مدت نسبت زایمان‌های انجام شده توسط افراد ماهر از ۷۰ درصد به ۹۷/۳ درصد افزایش یافته است. هرچند چالش‌هایی نیز از قبیل اصلاح نظام پرداخت و حمایت بیمه از خدمات، اصلاح و طراحی نظام مدیریت اطلاعات بیمارستانی، ارتقاء کیفیت بهداشت باروری و... نیز وجود دارند.

نسبت مناطق حفاظت شده برای تنوع زیستی به مساحت کل کشور از ۴/۸۵ درصد در سال ۷۶ به ۷/۱۱ در سال ۸۱ افزایش یافته است. در حالی که براساس استانداردهای

بین المللی باید این مناطق حداقل ۱۰ درصد از مساحت کل کشور را پوشش دهند. از طرفی در سال ۱۳۸۱ حدود ۹۵ درصد جمعیت به آب آشامیدنی سالم دسترسی داشته اند که البته میزان برخورداری از آب سالم در استان‌ها به صورت برابر نیست.

شاخص سهم بدهی‌های خارجی برحسب درصدی از کل صادرات کالاها و خدمات، طی سال‌های اخیر بهبود و از ۶۳/۲ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۳۳/۷ درصد در سال ۱۳۸۴ کاهش یافته است. در رابطه با سطح دسترسی به فناوری‌های پیشرفته، تعداد خطوط تلفن ثابت به ازای هر ۱۰۰ نفر از ۴ خط در سال ۱۳۶۹ به ۲۹/۶ خط در سال ۱۳۸۴، تعداد استفاده کنندگان از کامپیوترهای شخصی به ازای ۱۰۰ نفر جمعیت شهری از ۶/۲۸ در سال ۱۳۷۹ به ۱۰/۲۷ در سال ۱۳۸۳ و تعداد استفاده کنندگان از شبکه جهانی (اینترنت) هم از ۰/۳۱ درصد در سال ۱۳۷۹ به ۹/۹ درصد در سال ۱۳۸۳ افزایش یافته است (معاونت امور اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۱: ۱۹_۱۶)

بنابراین در خصوص آرمان نخست از اهداف توسعه هزاره، اهداف مربوط به جمعیت با درآمد زیر یک دلار محقق شده‌اند. البته این شاخص عملاً نمی‌تواند مبین حداقل استاندارد زندگی در ایران باشد و باید در این رابطه از شاخص‌های واقع‌گرایانه که در اسناد برنامه چهارم توسعه کشور مورد استفاده قرار گرفته‌اند، استفاده شود. در رابطه با برخورداری از آموزش ابتدایی همگانی و توانمندسازی زنان (آرمان دوم و سوم) جمهوری اسلامی ایران از نظر سطح باسوادی با توجه به اطلاعات موجود در وضعیت مناسبی قرار دارد و برابری جنسیتی در این خصوص تأمین شده است. به این ترتیب در خصوص آموزش باید شاخص‌های جدیدی شناسایی و هدف‌گذاری شوند که به مراتب سطوح کیفی بالاتری از شاخص‌های مطرح شده اهداف توسعه هزاره را تعیین کنند. تمرکز اصلی در آرمان سوم بیشتر بر تقویت نقش زنان در عرصه‌های آموزشی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌باشد. در این زمینه در بخش آموزش وضعیت زنان به طور چشمگیری بهبود یافته و در سایر عرصه‌های اقتصادی، سیاسی نیز اقدامات توسعه‌ای متعددی طراحی و در دست اجراست. بررسی آرمان چهارم و پنجم نشان می‌دهد که روند

بهبود سلامت کودکان و مادران طی سال‌های اخیر تداوم یافته و پیش بینی می‌شود که این روند ادامه یابد. در رابطه با آرمان ششم گسترش اقدامات آگاه سازی و تقویت اقدامات بهداشتی باعث شده تا روند ابتلا به سل و مالاریا تحت کنترل باشد و هرساله ما شاهد کاهش آن باشیم، اما در خصوص گسترش ایدز تلاش‌های بیشتری در حوزه پیشگیری در دست اجراست. در خصوص آرمان هفتم گسترش مناطق حفاظت شده طبیعی، افزایش سطح برخورداری از خدمات اولیه بهداشتی مانند آب سالم و دفع بهداشتی فاضلاب و استفاده کارتر از انرژی از مهمترین دستاوردهای این حوزه است. در رابطه با آرمان بهبود وضعیت اقتصادی کشور طی سال‌های اخیر باعث شده است تا شاخص نسبت مانده بدهی‌های خارجی به صادرات در وضعیت مطلوبی قرار گیرد، اما بهبود وضعیت اشتغال جوانان، با توجه به تغییرات جمعیت طی دهه ۱۳۶۰ مستلزم انجام اقدامات گسترده‌ای است. (معاونت امور اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۷: ۷)

نتیجه‌گیری

جهانی شدن واقعیت اجتماعی گریز ناپذیری ارزیابی می‌شود که در آینده‌ای نه چندان دور همه جوامع انسانی مستقل و مجزا از هم (دولت-ملت‌ها) را فرا خواهد گرفت و پیش بینی می‌شود که در نتیجه گسترش آن خطوط مجازی جداکننده‌ای که به صورت مرزهای سیاسی میان جوامع کشیده به تدریج از میان برداشته شود و نظام فرهنگی و اجتماعی مشترک و تکثر گرایی بر جهان حاکم شود که ساختارهای فرهنگی و اجتماعی متنوعی را در چارچوب یک آگاهی مشترک جهانی شده، پوشش می‌دهد. با شتاب گرفتن روند تعامل و به هم پیوستگی کشورها بحث‌های زیادی درباره نابرابری در میان و در درون کشورها و تأثیرات آن بر مردم، خانواده و جوامع در نظر گرفته شده است.

جهانی سازی وعده‌های رشد، افزایش اشتغال، افزایش دستمزدها، و رفاه بیشتر را که طرفداران جریان‌های مالی و تجاری آزاد از آن صحبت می‌کنند، برآورده نکرده است. به علت رشد اندک و نامنظم اقتصاد جهان، مزایای جهانی سازی به صورت نابرابر بین و

در داخل کشورها توزیع شده است. تفاوت درآمد بین غنی و فقیر بیشتر شده و فقر در بسیاری از کشورهای در حال توسعه افزایش یافته است. میانگین سرانه تولید ناخالص داخلی در کشورهای توسعه یافته که در اوایل دهه ۱۹۹۰ هفده برابر کشورهای در حال توسعه بود در سال ۲۰۰۰ به ۲۰ برابر رسیده است. (نقل به مضمون از منابع سازمان ملل)^۱

تعداد اندکی از افراد، گروهها و حکومتها با جهانی شدن به این صورت مخالفند و به دلایل زیر به آن اعتراض دارند. اول این که منافع و فرصت‌های جهانی شدن در شمار نسبتاً معدودی از کشورها متمرکز شده و به طور نابرابری بین آنها گسترش یافته است. دوم این که در دهه‌های اخیر در بین اقدامات موفق، به منظور تدوین قواعد محکم و قابل اجرا که بسط بازارهای جهانی را تسهیل کند، عدم تعادل بروز کرده، در حالی که اهداف اجتماعی که اعتبار آن به همان اندازه است، مانند استانداردهای کارگری، محیط زیست، حقوق بشر یا تقلیل فقر، مورد حمایت کمتری قرار گرفته است.

در سپتامبر سال ۲۰۰۰ میلادی رهبران جهان در نشست سران سازمان ملل درباره اهداف توسعه هزاره درمورد یک سلسله از اهداف زمان بندی شده و قابل اندازه گیری شامل مبارزه با فقر و گرسنگی شدید، مبارزه با بیماری‌ها، بی سوادگی، تخریب محیط زیست، نابرابری جنسیتی و نیز ایجاد یک مشارکت جهانی برای توسعه به توافق رسیدند. این توافق جهانی که به عنوان "اهداف توسعه هزاره" شناخته می‌شود، مورد تصویب همه اعضا سازمان ملل قرار گرفت (معاونت امور اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۴: ۱).

چنانکه پیرامون فقر، خود را به کاهش فقر شدید به نصف، تا سال ۲۰۱۵ متعهد کردند. این وظیفه بلند پروازانه که اساس هدف‌های توسعه هزاره است، در صورتی که نظام‌های مالی و تجاری جهان راحت تر و روانتر کار کنند، شاید قابل دستیابی باشد. فقر چالش عصر ما است. تقریباً نیمی از مردم جهان، حدود ۲/۸ میلیارد نفر با روزی ۲ دلار یا

کمتر و بیش از یک میلیارد نفر از آنان در فقر مطلق و با روزی کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند.

فقر و فقر شدید در ۵۰ کشور بسیار فقیر جهان، که سازمان ملل آنها را کشورهای کمتر توسعه یافته می‌نامد، متمرکز است. در این مورد - که ۳۴ کشور در منطقه جنوب صحرای آفریقا واقع است - تعداد کشورهایی که در فقر شدید زندگی می‌کنند رو به افزایش است و تا مدتی همچنان افزایش خواهد یافت. (نقل به مضمون از منابع سازمان ملل) لازم است در استراتژی‌های توسعه در سطوح بین‌المللی و ملی بازبینی و تجدید نظر شود. در سطح بین‌المللی، دلایل آشکاری وجود دارد که شوک‌های خارجی ناشی از نظام‌های تجاری و مالی بین‌المللی، مانند جریان ناپایدار سرمایه خصوصی و نوسانات در قیمت کالاها، موجب بحران‌ها و مشکلات در کشورهای در حال توسعه می‌شود. این بحران‌ها به نوبه خود باعث بی‌ثباتی اقتصادی شده، مانع رشد و افزایش فقر می‌شوند. بدهی زیاد و در مواقعی غیر قابل تحمل کشورهای در حال توسعه، خطری برای نظام مالی بین‌المللی به شمار می‌رود که باید به آن رسیدگی شود. تجویز دستورالعمل‌ها و سیاست‌های یکسان برای توسعه در حد گسترده‌ای رد و ضرورت تنوع در طراحی برنامه‌ها و تدابیر توسعه ملی پذیرفته شده است.

از طرف دیگر بحث درباره دموکراسی و عدالت اجتماعی در اقتصاد جهانی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. جهانی شدن از بعد اقتصاد نیز در تقویت دموکراسی نقش داشته و از جهات متعددی به گسترش نهادها و ساختارهای دموکراتیک در ایران کمک کرده است. رشد و تنوع احزاب و گروه‌های سیاسی، توسعه سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی همچون اصناف، گروه‌ها و نیروهای مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ایجاد ابزارهای جدید مشارکت و توجه بیشتر به ارزش‌ها و نهادهای حقوق بشر توانسته است به دموکراتیزه کردن ساختار نظام سیاسی در ایران کمک کند. تبدیل شدن دموکراسی به گفتمان غالب در ایران، ارتقاء آگاهی‌های جمعی و شکل‌گیری فرهنگ سیاسی نوین از دیگر وجوه تأثیر جهانی شدن بر گسترش دموکراسی در ایران است. توسعه ارتباطات و

گسترش فناوری اطلاعات بیش از همه بر نگرش‌های افراد تأثیر گذاشته است. از آنجا که وجود دموکراسی منوط به تحقق مشارکت سیاسی، وجود رقابت سیاسی نهادینه شده و امکان تحرک اجتماعی دانسته شده است، رشد دموکراسی در ساختار نظام سیاسی ایران معاصر نیز منوط به تقویت مشارکت و رقابت سیاسی است (پلانتر و اسمولار، ۱۳۸۳: ۵۸۸).

بنابراین به نظر می‌رسد که راه‌هایی از دورنماهای نامطلوب جهانی شدن، بسط آگاهی‌های جهانی و کوشش برای گسترش دموکراسی و بسط مشارکت‌های مردمی در روند توسعه است. تحقق این اهداف مستلزم شکل‌گیری اراده‌ای همگانی برای نهادینه سازی مولفه‌های سه‌گانه مفهوم جدید توسعه - یعنی تقویت سرمایه اجتماعی، بسط دموکراسی مشارکتی و توانمندسازی توده‌ها - است. فرآیند جهانی شدن فقط در صورتی که در خدمت تحقق این پدیده‌های توسعه‌ای باشد، می‌تواند به نفع کشورهای در حال توسعه تمام شده و موجبات کاهش شکاف توسعه‌ای میان آن‌ها و جهان پیشرفته را فراهم سازد. از طرف دیگر اقتصاد نفتی ایران با مسائل حادی روبه‌روست. کشور ما از یک سو با رکود بازار جهانی نفت و کاهش درآمدهای ارزی حاصل از آن و تهی شدن تدریجی منابع نفتی مواجه بوده و از طرف دیگر میزان بیکاری در کشور رو به افزایش است. ایجاد مشاغل در گرو گسترش صادرات غیر نفتی است زیرا این بخش اشتغال‌زاترین بخش اقتصاد کشور است. و در این فرآیند کاهش تصدی‌گری بخش دولتی می‌تواند زمینه‌ساز مناسب و رشد و توسعه باشد.

منابع

- پلانتر، مارک و اسمولار، الکساندر. (۱۳۸۳)، جهانی شدن، قدرت و دموکراسی،

تهران: انتشارات کویر

- پیران، پرویز. (۱۳۸۴)، مقاله جهانی سازی و توسعه اجتماعی در کتاب مجموعه مقالات توسعه اجتماعی، تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، جلد سوم، چاپ اول.
- تقوی، سید ناصر. (۱۳۸۲)، دغدغه‌های شهر جهان، تهران: انتشارات سیاست تهران.
- تودارو، مایکل. (۱۳۶۴)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، مترجم: غلامعلی فرجادی، تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی، جلد اول، چاپ اول.
- توکلی، جعفر. (۱۳۸۴)، جهانی شدن و چالش فقر در کشورهای در حال توسعه، تهران: انتشارات سپهر اندیش، چاپ اول.
- جعفری صمیمی، احمد و سینا، کرم. (۱۳۸۴)، جهانی شدن، شاخص‌ها و جایگاه اقتصاد ایران، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول.
- حاج یوسفی، علی. (۱۳۸۰)، توسعه و رفاه اجتماعی، فصلنامه مددکاری اجتماعی، آموزشی و پژوهشی، تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی، شماره ۶.
- دیوب، ابی - سی. (۱۳۷۷)، توسعه و نوسازی: جستجو در قالب‌های فکری بی بدیل، ترجمه: سید احمد موثقی، تهران: نشر قومس.
- رابرتسون، جان. (۱۳۸۳)، جهانی شدن و فرهنگ عامه، ترجمه حسین پاینده، فصلنامه ارغنون، تابستان ۱۳۸۳.
- رفیعی، حسن و مدنی، سعید. (۱۳۸۰)، مقاله بررسی تطبیقی دیدگاه‌های توسعه و رفاه اجتماعی در ایران در کتاب مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.

- زاهدی، محمد جواد. (۱۳۸۲)، توسعه و نابرابری، تهران: انتشارات مازیار، چاپ اول.
- سجاد پور، سید محمد کاظم. (۱۳۸۲)، جهانی شدن و امنیت جمهوری اسلامی ایران در کتاب جهانی شدن، برداشت‌ها و پیامدها، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم.
- شهرام نیا، امیر مسعود. (۱۳۸۵)، جهانی شدن و دموکراسی در ایران، تهران: نشر نگاه معاصر.
- علیقلیان، عبدالاحد. (۱۳۸۴)، جهانی شدن منصفانه؛ ایجاد فرصت برای همه، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- گلدین، آین و رینرت، کنت. (۱۳۸۶) جهانی شدن برای توسعه، تهران: مرکز مطالعات ملی جهانی شدن، چاپ اول.
- لطیفی، غلامرضا. (۱۳۸۷)، فرآیند نوسازی اجتماعی و فرهنگی در جامعه، ارائه به سمینار تبیین جایگاه مدیریت شهری در آسیب‌های اجتماعی.
- لطیفی، غلامرضا. (۱۳۸۹)، مبانی برنامه‌ریزی و سیاست اجتماعی، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه علامه طباطبایی.
- معاونت امور اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. (۱۳۸۴)، اولین گزارش اهداف توسعه هزاره جمهوری اسلامی ایران: دستاوردها و چالش‌ها، چاپ اول.
- مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران. (۱۳۸۳)، ملل متحد؛ اعلامیه هزاره، چاپ دوم.
- مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران. (۱۳۸۲)، هدف‌های توسعه هزاره، چاپ اول.

- مقصودی، مجتبی. (۱۳۸۲)، مقاله نقش گروه‌های قومی در توسعه اجتماعی در کتاب **مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی**، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- میشر، رامش. (۱۳۸۴)، **جهانی شدن و دولت رفاه**، ترجمه: مهدی تقوی، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی، چاپ اول.
- ون، وایست. (۱۳۷۸)، مؤلفه‌های توسعه اجتماعی، ترجمه: موسی عنبری، نشریه **رهاورد**، شماره ۶.

- UNDP (united nation development programme), Human Development Report 2007/2008, newyork, first published

- United nation (2000), **social development**, Geneva

- [www. Unic.ir.org](http://www.Unic.ir.org)

سایت سازمان ملل متحد در تهران

Archive of SID